



قیمت اشتراک سالیانه در ایران
یک تومان
در سایر ممالک
پنج فرانک

کَاوَه
۱۳۲۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار
نشر میشود
عنوان مراسلات
Redaktion Kaveh:
Berlin-Charlottenburg,
Leibnizstr. 64

* * سه شنبه ۴ اردیبهشت ماه ۱۲۸۶ یزدگردی = ۱۵ شوال ۱۳۳۴ هجری * * Jahrg. 1 • Nr. 11 • 15. August 1916 * *

وباطنه روس و انگلیس در آن مملکت و غیره و غیره مذکور داشته و در آخر مقاله میگوید:

«کسانی که انگلیس را یک ملت آزادی خواه و حامی ملل ضعیفه میدانستند باید امروز با کمال افسردگی ببینند که همان انگلیس با همدستی روس یک ملت ضعیفی را در همان وقتی که سعی میکرد که خود را آزاد کند و فصل جدیدی از تاریخ برای خود افتتاح نماید اسیر مینماید و خفه میکند همانطور که مملکت پولونی در آن حین که مشروطه شد اسیر گردید (۳ مه ۱۷۹۱). بلی همان انگلیس که خود را حامی ملل کوچک و ضعیف قلم میداد و در اروپا در خصوص بلژیک سینه سپر کرد و بعالم چین و انمود که برای حمایت بلژیک داخل جنگ شد و تمام عالم هم کور کورانه حق را بطرف انگلیس دادند و او را ذیحق دانستند و عمل او را قانونی شمردند. آیا ایران با بلژیک در این خصوص چه تفاوتی داشت؟ ایران هم خودش را بی طرف نگاه داشت و بی طرفی خود را اعلان کرد، لکن در آنجا قانون انگلیس چنین صلاح دید که با همدستی روس در ایران قشون وارد کند و تقض بی طرفی ایران را نماید. اما در این خصوص کسی فریاد نکرد و حرفی نزد و پروتستی نمود و این حرکت انگلیس را مردم قانونی دانستند.

حالت ایران

از نقطه نظر یک بیطرف

پرفسور ژرژ براندس^(۱) از مشاهیر رجال این عصر و معلم ادبیات و تاریخ و مقدم محررین دانمارک در جریده دانمارکی «پولیتیکن» منطبعه کوبنهاگ مورخه ۶ ژولیه ۱۹۱۶ در خصوص ایران مقاله مبسوطی نوشته و اوضاع حاضر ایران را مفصلاً شرح داده است. و این نکته را باید در نظر داشت که پرفسور مذکور در کمال بیغرضی و بی طرفی است تمام معنی کله و بهیچ یک از ملل متحاربه نه مایل است و نه مناقض و بهمین جهت نوشتجات او نفوذ غربی در جمیع دوائر ملل متخاصمه و بی طرف دارد و در تمام اروپا شهرت کاملی داراست.

پرفسور براندس در ابتدای مقاله شرح مفصلی از تاریخ حاضر ایران و فساد اخلاق بزرگان و ولایه امور آن مملکت که بعقیده او علت اللعلل انحطاط ایران است و ظهور مشروطه در آن سرزمین و اقدامات ظاهره

Prof. Georg Braudes (۱)

در اردوهای معتبر اشرا را بدسته‌های ۲،۰۰۰ نفری قسمت کرده و هر دسته را زیر فرمان یک صاحب منصب بزرگ آلمانی و چندین صاحب منصبان جزو واگذار کرده‌اند. اسرا باید در همه جا موافق قوانین و تعلیمات نظامی حرکت نمایند یعنی رؤسا و صاحب منصبان آلمانی و همچنین صاحب منصبان خودشانرا سلام بدهند و در تحت اطاعت آنها باشند. هر دسته یک اداره مخصوص و یک آشپزخانه و یک دستگاه حمام و یک چشمه آب علیحده دارند (رقنار آلمانها نسبت باسرای جنگی از روی قانون کنفرانس دوم لاهه سال ۱۹۰۷ میلادی است).

در خصوص غذا و لباس و سایر لوازم و مایحتاج اسرا آلمانها تا حد لزوم و باندازه کفایت اسباب زندگی آنها را فراهم آورده‌اند و حتی مانند شهرهای کوچک خود آلمان در آنهاجا مریضخانه، کتابخانه، قرائتخانه، تماشاخانه، قهوه‌خانه، کارخانه، پستخانه و غیرها تأسیس کرده‌اند.

حفظ الصحه و وضع زندگی اسرا بعد از خلع اسلحه ایشان در آلمان از روی قوانین حقوق بشری مرعی است. هر اسیری حق داشتن یک جا برای خوابیدن (تقریباً باندازه دو ذرع و نیم مربع) دارد. غذای آنها بینه همان خوراک سربازهای آلمانی است بقیمت روزانه یک ریال (۶۰ فیک).

بهمین قرار صد هزارها اسرای جنگی در اطراف ممالک آلمان و متحدین زندگی میکنند و از روی سرشماری اخیر عدده مجموع آنها در تمام ممالک متحدین ۲۰۶۵۸۰۲۸۳ نفر است. اغلب خود اسرا بانی شهرها و منازل خود هستند و بناها و تجارتها و عمله و همه نوع صاحبان حرف و صنایع مختلفه از قبیل خیاط و کفش دوز و آشپز و رخت‌شو و معلم و مترجم و غیرهم در میان خود دارند. بسیاری از آنها درس میخوانند و زبان آلمانی یاد میگیرند و عدده هم زبان خود را با آلمانها یاد میدهند.

تمامی اسرا بدون استثنا در اجرای مراسم مذهبی خود بهر زبانی و بهر طریقی که بخواهند مطلقاً و از هر حیث آزادند. مخصوصاً اسرای مسلمان که یک عدده معنی‌بسی میباشند دارای بعضی امتیازات مخصوص هستند. از آن جمله مسجدی است که سال گذشته در اردوی اسرا موسوم به سوین-وونسدورف^(۱) واقع در هفت فرسخی در جنوب برلین از طرف دولت آلمان ساخته شده است.

یک قسمت عمده از اسرای مسلمان در آلمان که مرکبند از هندی، تاتار، اهالی سیبری، قیرقیز، داغستانی، باشگرد، اورنبورگی، هشترخانی، ترکمان، عرب‌های مراکش و الجزائر و تونس، سیاهای سنگال و غیرهم در همین اردوی سوین-وونسدورف^(۱) هستند و عدده آنها بطور تحقیق ۱۲۰۲۶۹ نفر است.

بر حسب دعوت مخصوصی که ریاست عالی اردوی مذکور در غره شوال جاری بمناسبت عید فطر از سفارت دولت علیّه ایران نموده بود حضرت مستطاب اجل آقای حسینقلی خان نواب سفیر دولت علیّه ایران

پس معلوم میشود که قانون همان عمل انگلیس است، هرچه او کند قانونی است و عمل دیگران همه بر ضد قوانین موضوعه است. ولی در واقع انگلیس دور از آنست که حرکات یا عبارات دیگر دسایس او سرمشق و قانون برای دیگران باشد.

سپس گوید:

«اگر مقام انگلیس نسبت بملت و مشروطه ایران اینست که ما شرح داده‌ایم پس دیگر نمی‌توانیم این جنگ را از این بعد چنانکه مسیو آرچر^(۱) میگوید فقط از نقطه نظر حقوقی و قانونی بنگریم: راستی بر ضد دروغ و خوبی بر ضد بدی. عین واقع مسئله چندان آسان نیست. انگلیس حق آنرا بنحود منحصر نساخته است که اساساً و همه جا مثل مدافع آزادی بر ضد استبداد ظاهر شود. در عالم سیاست نمیتوان فقط از نقطه نظر قانون بجائی رسید یا بقول لاسال^(۲) «در زندگی ملل نقطه نظر قانونی بد نقطه نظری است زیرا که قانون فقط تعبیری و حکایتی است از اراده هیئت اجتماعی ولی هیچوقت مدبر و حاکم هیئت اجتماعی نیست». بالاخره اینرا باید گفت که آیا انگلیس ذیحق است اگر بایران فقط از نقطه نظر فقط که برای جبهات خود لازم دارد نگاه کند و بدین واسطه ایران را ضبط نماید و آیا این نقطه نظر قانونی است؟

عید فطر

اسرای مسلمان در آلمان

بالفعل در ایالات مختلفه ممالک آلمان متجاوز از صد اردو برای قرارگاه ۱۰۶۶۳۰۷۹۴ نفر اسرای جنگی از هر قبیل و جنس از روسی و فرانسوی و انگلیسی و بلژیکی و هندی و استرالیائی و کانادائی و عدده کثیری هم از ملل مختلفه مسلمین که از ابتدای این جنگ عمومی در عرض دو سال گذشته بدست قشون آلمان افتاده‌اند موجود است.

آلمانها برای اردوگاه اسرا در داخله مملکت خود جاهای خوب و مناسب انتخاب کرده و در حقیقت شهرهای کوچکی برای آنها بنا نهاده‌اند. ساختمان هر یک از این اردوها که گنجایش ۱۰،۰۰۰ تا ۲۰،۰۰۰ نفر اسیر دارد قریب یک کرور تومان مخارج برداشته است.

هر یک از این اردوها محاط است از همه طرف به رشته از مفتولهای آهنی خارخسک دار. و عساکر مستحفظه آلمانی (لاندشتورم) دائماً با تفتنگهای سرنیزه دارد در اطراف اردو کشیک میکشند. داخلی این قصهها تقریباً همیشه از روی یک اصول و یک نقشه ساخته شده است. در وسط هر یک از آنها خیابانی راست و وسیع قصبه‌را از یک طرف تا طرف دیگر قطع کرده و آنرا بدو قسمت عمده تقسیم میکند و از این خیابان بزرگ کوچهای کوچک از چپ و راست بداخل قصبه منشعب میشود.

Zossen-Wünsdorf (۱)

Lasalle (۲) Archer (۱)

و دیگری بشکل هرم مخروطی با ارتفاع سه چهارم ذرع که در یک سطح آن بخط مغربی بعضی عبارات عربی نوشته شده بود از جمله این دو بیت:

مَشَيَّهَا خَطًّا كَتَبَتْ عَلَيْنَا وَمَنْ كَتَبَتْ عَلَيْهِ خَطًّا مَشَاهَا
و من كانت مَشَيَّهً بارضٍ فليس يموت في ارض سواها

بعد از مراجعت از قبرستان در حدود ساعت سه تا تر مختصری که از طرف اسرای تاتار راجع باخلاق و تاریخ خودشان ترتیب داده شده بود بموقع تماشا گذاشته شد و در حدود ساعت شش مراسم عید اختتام یافت. ارجمند

حمله بزرگ روسها

در میدان جنگ شرقی

در اثناء آنکه قشون اطریش در تیرول ایتالیاها را شکست فاحشی داده و ایشان را در آن نقاط از خاک خود بیرون نموده و خود فاتحانه داخل خاک ایتالیا گردیدند و چندین قلاع حصینه و مواقع مستحکمه ایشان را تسخیر نمودند و اسرا و غنائم بسیار از ایشان گرفتند بقیه در دوم شعبان روسها از طرف مشرق در یک خطی بطول ۵۰ فرسخ مابین دو رودخانه کوچک استیر^(۱) (در ایالت وولینی^(۲) - روسیه) و پروت^(۳) (در ایالت بوکوفین^(۴) - اطریش) با قوای متجاوز از ۶۰۰۰۰۰ نفر و استعداد و مهمات فوق العاده شروع بحمله بر خطوط و خندقهای دفاعی اطریشها نمودند و جنگ هولناکی که شاید بزرگترین جنگهای واقعه در این میدان در ظرف یکسال و نیم اخیر باشد درگرفت.

روسها ابتدا مواقع اطریشها را با توپهای بسیار زیاد از هر قطر و قطع بشدت گلوله باران کرده و بعد با پیاده نظام حمله نمودند. صفوف قشون روسی مانند امواج دریا پی در پی بتلاطم آمده حملات بسیار سخت نمودند ولی جمیع آن حملات در مقابل تیر توپهای مهیب اطریشی و دفاع قشون شجاع ایشان متوالیاً در هم شکست. روسها با قوای جدید باز جای آنها را پر کرده بر شدت هجوم خود افزودند ولی نتوانستند در آن روز پیشرفت مهمی نمایند وصف جنگ اطریشیان را چنانکه خیال داشتند در هم شکستند. سوم شعبان روسها باز بهمان طریق با گلوله باران شدید توپخانه و بعد با پیاده نظام حمله آوردند. از این دو روزه جنگ معلوم شد که روسها از چندین ماه باینطرف در استعمال فشنگ و ذخیره بسیار صرفه جوئی کرده و اسباب نارینه بیحد و حساب برای این موقع جمع نموده اند زیرا که در ظرف این دو روزه در هجومهای پیاپی در صرف مهمات حربیه اصلاً ملاحظه نداشتند. اطریشها در جلو دشمن که با قوای فائق حمله میآورد با کمال شجاعت ایستادگی کرده و در هر وجب مردانه میجنگیدند. ولی از طرفی سرعت و شدت حملات روسها با قوای فوق العاده و از طرف دیگر مشغول بودن قسمت بزرگی از قشون اطریش

در برلین و اجزای سفارت بهمراهی چند نفر از صاحب منصبان آلمانی صبح روز مذکور عازم اردو شدند.

ساعت هشت و نیم قطار آهن از برلین حرکت کرده بعد از یک ساعت وارد قصبه سوسن گردید. اوتوموبیلها و درشگه‌های نظامی متعددی در جلو ایستگاه منتظر ورود مدعوین بودند و بمحض ورود سوار آنها شده بطرف اردوگاه حرکت کردند.

بسیاری از عثمانیان از جمله جناب شکری بیک «آناشه میلیتر» دولت علیه عثمانی و جناب شکری افندی امام سفارت و عده از سایر مسلمین مقیمین برلین و یکی دوفتر از محررین اداره «کاوِه» نیز در عداد مدعوین بودند. پس از ورود بار دوگاه و اندکی انتظار همه بطرف میدان وسیعی که ۲۰۰۲۷ نفر از اسرای تاتار در آنجا صف کشیده بودند حرکت کردند. صاحب منصبان عثمانی و جمیع اسرای تاتار در میدان مذکور بامام معزی الیه اقتدا کرده نماز عید باشکوهی با جماعت ادا نمودند. بعد از نماز جناب شکری بیک با صدای رسای بسیار بلند نطق مختصری بزبان ترکی راجع بلزوم انتباه و اتحاد عموم فرق مسلمین با یکدیگر و سعی در استخلاص سایر برادران دینی از زنجیر اسارت دشمنان اسلام نمود و مضمون نطق جناب شکری بیک را یکی از علمای تاتار موسوم بعالم ادریس قازانی مشهور ببخارائی که چندین زبان از ترکی تاتاری و عثمانی و روسی و فرانسه و آلمانی و فارسی را در کمال خوبی میداند بزبان ترکی تاتاری برای اسرا بصدای بلند ترجمه کرده سپس خطبه را بدعای ظفر قشون اسلامی و متحدین و سلامتی اعلیحضرت سلطان محمد رشاد خان خامس و اعلیحضرت امپراطور آلمان و اعلیحضرت امپراطور اطریش بختام رسانیدند.

بعد از اتمام نماز و خطبه عید در حدود ظهر تمام مدعوین با حضور زائرالها و صاحب منصبان آلمانی در یک مهمانخانه با شکوه نظامی صرف نهار و شربت نمودند. و در اثنای نهار یک دسته از موزیکچیان نظامی آلمانی مسامع حضار را از نعمات دلاویز «مارش» عثمانی و آلمانی و سایر آهنگهای لطیف محظوظ میساختند. بعد از صرف نهار همگی عازم قبرستان اسرا که در آن نزدیکی بود شدند و در آنجا جمعیت زیادی از اسرای هندی و بلوچ و تاتار و ترکن و اهالی سبیری و قازان و اورنبورگ و غیره‌های الجزائر و تونس و مراکش و سیاههای سنگال و غیرهم حاضر بودند و برای اجرای مراسم افتتاح بنائی که بیادگاری اموات اسرای مسلمین در آن قبرستان ساخته بودند صف کشیده و منتظر ورود هیئت مدعوین بودند. افتتاح بنای مذکور با کمال شکوه بعمل آمد و باز از طرف امام سفارت سنیه عثمانی و یکی دیگر از ائمه عرب نطقهای چند بعربی و ترکی راجع بتحریض مسلمین باتحاد و تمیز دوست از دشمن و نحوذک کرده شد. یادگار مذکور عبارت است از دو بنا یکی بشکل مکتب مستطیل که در یک طرف قبرستان از آهک و صاروج ساخته‌اند با ارتفاع دو ذرع تقریباً و روی آن بترکی نوشته شده است:

دهو الباقی - ایکنجی و یلهلم دوری حرب عموننده روسیه اسپرلرندن
قران مسلمانلری روحنه فاتحه ۱۳۳۴ «.

Pruth (4) Bukowina (3) Wolhynien (2) Styr (1)

۲۷ — اطریشها کولومبارا (۱) تخلیه کرده و بطرف مغرب شهر عقب رفتند و روسها داخل شهر شدند.

۲۸ — در وولینی قشون متحدین در نزدیکی سوکول و جنوب اوکریینو پیشرفت کردند. مجموع اسرا و غنائمی که از ابتدای هجوم روسی (۴ شعبان) تا امروز در میدانهای جنگ جنوبی پزیت بدست اطریشها افتاده عبارت است از ۱۵۸ صاحب منصب و ۲۳۰۰۷۵ سرباز، توپهای متعدد و ۹۰ توپ مسلسل. روسها در ابلاغیههای خود ادعا میکنند که از ابتدای هجوم تا امروز ۲۱۷۰۰۰ سرباز و صاحب منصب اطریشی اسیر گرفته اند ولی اطریشها رسماً این خبر را تکذیب نموده و «اداره مطبوعات جنگی» اطریش در همین تاریخ (۳۰ ژوئن) ابلاغیه مفصلی در خصوص اغراقهای فوق العاده روسها نشر کرده از جمله میگوید: «از روی تجربهای زیادی که بعد از دو سال جنگ در باره اخبار دشمنان بدست ما آمده است دیگر نشر این قبیل اخبار رسمی از طرف روسها ابتدا اسباب تعجب ما نخواهد شد. اگر ما در حقیقت ۲۰۰۰۰۰ نفر اسیر داده بودیم و تلفات ما از کشته و مجروح نیز بالطبع بهمان نسبت بر آن علاوه میشد دیگر از آن حساب نه در وولینی نه در بوکویین یک نفر سرباز اطریشی نایستی باقی بماند در صورتیکه قشون اطریش حالیه در همه جا جلو روسها را گرفته و حملات شدید آنها را با تلفات زیاد برای آنها دفع می نمایند».

۲۹ شعبان — در شمال غربی شهر تارنوبول قشون متحدین ۹۰۰ نفر از روسها اسیر گرفتند.

۸-۷ — رمضان روسها کم کم میدان حملات خود را وسعت داده و از شمال بارانوریچی تا اسمورگون (۲) و دریاچه ناروج (۳) امتداد دادند.

۱۰-۹ — در دو طرف راه کول (۴) — ژوونو (۵) هجومهای سخت روسها در جلو مقاومت متحدین در هم شکست و زیاده بر ۷۰۰۰ نفر اسیر روسی بدست آنها افتاد. ۱۱-۱۲ — قوای متحدین در جنگهای دو روزه در کنار اشتوخود (۶) ۲۰۰۰۰ نفر اسیر و ۱۲ توپ مسلسل از روسها گرفتند.

۱۳ رمضان — اطریشها باز در ابلاغیه رسمی خود (۱۳ ژولیه) ابلاغیه روسها را راجع بگرفتن ۲۶۶۰۰۰ نفر اسیر اطریشی از ابتدای هجوم تا دهم رمضان (۱۱ ژولیه) تکذیب مینمایند.

۱۴-۱۵ — اطریشها مقدمه الجیش روسها را که داخل شهر دلاتین (۷) شده بودند عقب زدند.

۲۴ — روسها در دو طرف راه لشنیو (۸) شبانه بر اطریشها حمله کردند ولی بعد از دادن ۱۰۰۰۰ نفر اسیر خود را باز پس کشیدند.

۲۸-۳۰ رمضان — روسها شهر برودی را متصرف شدند و بنا بر ادعای خود روسها در این جنگ دو روزه قریب ۳۲۰۰۰ نفر اسیر و غنائم زیاد گرفته اند. تا حال از طرف اطریشها و آلمانها در این باب چیزی گفته نشده است ولی واضح است که این ابلاغیه روسی نیز مانند سایر ابلاغیه های ایشان از قبیل یک کلاغ چهل کلاغ است.

بیان کار مرحوم اشرف زاده

هرگز نپند آنکه دلش زنده شد بعشق ثبت است در جریده عالم دوام ما

یک سال تمام قبل از این تاریخ یعنی در ۲۰ رمضان ۱۳۳۳ (غرة اوت ۱۹۱۵) مرحوم میرزا محمود خان اشرف زاده در یک فرسخی صحنه نزدیک کرمانشاه هدف تیر جمعی از قطاع الطریق گشته مقتول گردید. بمناسبت سر سال وفات آن یگانه فرزند غیور ایران اعضاء اداره «کاوِه» لازم دیدند که چند سطر در تاریخ زندگانی آن مرحوم بطریق تذکار

در میدان جنگ ایطالی باعث این شد که اطریشها برای ندادن تلفات زیاد مجبور شدند که قشون خود را قریب یک فرسخ عقب کشیده و در خندقهای جدید که قبل الوقت حاضر کرده بودند جای گزینند.

روسها امسال بر عکس سال گذشته عمده قوای خود را بطرف جنوب یعنی جناح چپ جمع نمودند. و اگر چه بعدها حملات روسها بطرف مرکز و شمال از بارانویچی (۱) تا دونابورگ (۲) نیز تعمیم یافت ولی از ابتدای این هجوم بزرگ تا کنون جنگهای مهم و حمله های بسیار سخت روسها اغلب در دو نقطه متمایز از جناح چپ روی داده است: یکی در شمال در ایالت وولینی که سابق جزو خاک روسیه بود و اکنون در تصرف قشون متحدین است، دیگر در جنوب در ایالت بوکویین (اطریش) در سرحد رومانی که روسها مخصوصاً برای مقاصد سیاسی و متأثر کردن رومانی قشون بسیاری بدان نقطه سوق نموده و از راه بویان (۳) (در سرحد بسارابی (۴)) داخل آن ایالت شدند.

وقایع مهم روزانه از ابتدای هجوم بزرگ تا این اواخر بطور اجمال از قرار ذیل است:

۲ شعبان — ابتدای هجوم بزرگ.

۵ شعبان — پس از جنگهای بسیار سخت روسها قلعه لونسک (۵) را در ایالت وولینی متصرف شده و بطرف شهر مستحکم دبنو (۶) واقع بر روی خط راه آهن برودی-لبرگ روی نهادند.

۸ شعبان — بعد از دو سه روز جنگ سخت روسها دوباره متصرف شدند و از رودخانه ایکوا (۷) عبور نمودند.

۹ شعبان — روسها حمله سختی بطرف شهر چرنوویتز (۸) پای تخت بوکویین نموده و تا حوالی شهر رسیدند.

۱۰ شعبان — اطریشها خطوط مدافعه خود را در جنوب رودخانه دینستر (۹) قدری عقب کشیدند ولی در طرف مغرب کولکی تمام حملات روسها در جلو استقامت و فداکاری سربازان اطریشی بی نتیجه ماند و گذشته از تلفات زیاد روسها در آن حوالی متجاوز از ۲۰۰۰۰ نفر اسیر دادند.

۱۱ شعبان — روسها جبهه جنگ را وسعت داده حملات خود را تا حوالی بارانویچی در شمال یینسک (۱۰) امتداد دادند و در آنجا نیز بهمان قرار ابتدا مواقع و خندقهای جنگ متحدین را زیر گلوله باران سخت توپ گرفته بعد با پیاده نظام هجوم آوردند ولی دستجات هجوم آور بوسیله توپهای متحدین پراکنده گردیده و با کمال بی نظمی مراجعت کردند بطوری که خود سربازهای روسی در حین رجعت زیر گلوله باران توپخانه خود واقع شدند.

۱۵ شعبان — روسها رودخانه پروت را عبور کرده داخل شهر چرنوویتز شدند.

۱۷ — آلمانها قوای روسی را که در نزدیکی گروزیاتین (۱۱) از رودخانه استیر عبور کرده بودند دوباره بان طرف رودخانه انداختند و ۱۰۰۰۰ نفر اسیر از آنها گرفتند.

۱۸ — در نزدیکی گروزیاتین قریب ۶۰۰ نفر و در وولینی متجاوز از ۱۰۰۰۰ نفر اسیر روسی بدست قشون متحدین افتاد.

۲۱ — در بوکویین جنگ دوباره شروع کرده و اطریشها روسها را از شهر کوتی (۱۲) بیرون کردند.

۲۲ — در مغرب سوکول (۱۳) متحدین باز حملات سخت بر روسها آوردند.

۲۳ — در وولینی آلمانها خط اول مواقع روسها را بعرض نیم فرسخ (۳ کیلومتر) با هجوم گرفتند.

Bessarabien (۴)	Bojan (۳)	Dünaburg (۲)	Baranoviči (۱)
Dnjestr (۹)	Czernowitz (۸)	Ikwa (۷)	Dnbno (۶)
Sokol (۱۳)	Kuty (۱۲)	Gruziatyn (۱۱)	Pinak (۱۰)

Kovel (۴)	Narocz (۳)	Smorgonje (۲)	Kolomea (۱)
Leszniow (۸)	Delatyn (۷)	Stochod (۶)	Rovno (۵)

نوشته و آن فاجعه مولما را دوباره بخاطر آورده می چند محزون و مغموم گردند و اشکی چند بیاد آن جوان ناکام از دیدگان ببارند و درودی بر روح پر فتوح آن یگانه مرد حساس با غیرت ایرانی بفرستند.

میرزا محمود خان معروف با شرف زاده پسر کوچک میرزا علی اشرف خان منشی قونسولگری روس در تبریز و از اعیان و متمولین مشهور آن شهر و برادر کوچک میرزا علی اکبر خان منشی اول قونسولگری حالیه روس در تبریز بود. تولد وی در تبریز در حدود سنه ۱۳۰۲ بود. تحصیلات ابتدائی خود را در آن شهر در مدرسه کمال و لقماتیه و بعد در مدرسه سوسانوف که بالنسبه خصوصی و غالباً مخصوص اطفال بزرگان بود بانجام رسانیده زبان روسی و فرانسسه و عربی و مقدمات علوم متداوله را بخوبی بیاموخت. سپس خود مدتی بمطالعه کتب تواریخ و علوم اجتماعی پرداخت و تا حدی که برای یک ایرانی غیور با فقدان شرایط و وجود موانع در ایران ممکن است معلومات خود را در این مواضع تکمیل نمود.

بعدها مدتی در جراید «عدالت» و «شفق» و «آزاد» و «مشورت» و «شورای ایران» (که همه در تبریز نشر میشدند) و در «جبل المتین» کلکته مقالات متعدده نوشت.

مقارن آن اوقات ستاره حکومت مشروطه در ایران طلوع نمود. در حین انتخاب وکلای مجلس رساله مفیدی در اهمیت انتخاب و وضع جریان آن در ممالک متمدنه در تبریز و رساله دیگری نیز در همین موضوع بنام «تنقید» در اورمیه نشر کرد.

مسلك بی پروائی و افکار وطن پرستانه آن مرحوم بنا بپاره ملاحظات و منافع خانوادگی منافی رأی و مشرب آقا میرزا علی اکبر خان برادر مهترش بود چرا که اولاً خود موصی الیه در قونسولگری روس دارای مقام مهم منشی اول و ثانیاً عمه ایشان یعنی خواهر مرحوم میرزا علی اشرف خان در حباله حاجی میرزا حسن «مجتهد» معروف تبریزی بود. ولی مرحوم اشرف زاده از آن اشخاص نبود که وقتی باین قسم ملاحظات گذاشته او امر وجدان خویش را پشت گوش بیندازد. بالأخره تنافی مسلك و تباین مشرب کم کم باعث افتراق بین دو برادر گردید. بعد از گلوله باران مجلس و بر هم زدن اساس مشروطه از طرف محمد علی شاه در سنه ۱۳۲۶ در اثنای تسلط و خونریزی انجمن «اسلامیه» و جنگ محله شتربان با مشروطه طلبان در تبریز مرحوم اشرف زاده خود را از میان باران آتش و خون بیان وطن پرستان انداخت و ناز و نعمت خانه پدر را ترک نموده با سختی هر چه تمامتر روزی با پنج شاهی شیر برنج بازاری بدون یکپاره نان بنای زندگی گذاشت و تمام مدت دو محاصره تبریز و جنگهای ستار خان با دولتیان را با این وضع بسر برد. و در همین اوقات بود که آن مرحوم جزو فرقه «سوسیال دیموکرات» که متشکل از جوانان ایرانی و گرجیهای قفقازی بود گردید. و فرقه مزبور چنانکه معلوم است در انقلاب آذربایجان و جنگ با دولتیان در زیر سرکردگی مرحوم ستار خان رکن مهمی بودند چنانکه از چهل و دو نفر جوانان گرجی فرقه

مزبور سی و سه نفر از ایشان در جنگهای مختلف تبریز هدف گلوله استبدادیان گشتند.

بعد از افتتاح مجلس دوم در ۱۳۲۷ باورمیه رفته و در آنجا در سنه ۱۳۲۹ یک روزنامه هفتگی با اسم «فروردین» که از جراید فرقه «دیموکرات» بود تأسیس نمود. صفحات روزنامه مذکور مملو بود از شکایت از دسایس و مظالم روس در ایران و بالخصوص در آذربایجان. روسها ابتدا خواستند آن مرحوم را بتدابیر بطرف خود جلب کنند ولی بدیهی است که هر چه بیشتر سعی کردند کمتر نتیجه گرفتند. بالأخره در اواخر ۱۳۲۹ بواسطه یک مقاله که بسیار شدید و تند بود قونسول روس در اورمیه چند نفر قزاق با دارة «فروردین» فرستاده آمرحوم را دستگیر نموده بقونسولخانه آورده بعد از گفتگوی زیاد قونسول در مقابل طبیعت استوار و با برجای آمرحوم بخشم آمده امر نمود تا او را در مقابل قونسولخانه دم دروازه یوردشاه در سرمای زمستان برهنه کرده چهار نفر از قزاقان بیرحم و حشی قریب نیم ساعت شلاق بر بدن برهنه اش زدند و آمرحوم تا زبانش یارائی میکرده متصل بصدای بلند فریاد میزد: «یاشا سون ایران!» و «یاشا سون مشروطه!» تا آنکه بالأخره بیچاره از کثرت وجع غش کرده بیهوش گردید و از اعضایش خون جاری گشت. این ثبات و استقامت او بحدی در حاضرین اثر داشته است که زنهای تماشای بنای گریه گذاشته و یک صاحب منصب روسی که کلاه آن مرحوم را نگاه میداشته یک جمله مختصری بروسی نوشته و توی آستر کلاه او گذاشته بوده و آن این بود: «تبریک میکنم ترا ای بهادر ایران».

بعد از آن روسها او را محبوس نمودند ولی او قراول را بخواب انداخته از حبس فرار نمود و از اورمیه در اوایل محرم ۱۳۳۰ (یعنی در همان اثناء واقعه ناگوار تبریز و دار زدن روسها ثقه الاسلام و سایر صناید ملت را) بسلامت رفته در آنجا ببقیه السیف ملتیان و اتباع امیر حشمت که از زیر شمشیر روسها جان خود را بموتی خلاص کرده بودند ملحق شده از راه چهریق و وان و ارز روم و طرابزون و دریای سیاه با کمال سختی بعد از سه چهار ماه توانستند نیمه جانی باسلامبول برسانند.

مدت هفت هشت ماه هم در اسلامبول گذرانیده و در جنگ بالکان یک رساله کوچکی با اسم «عصر حاضر در بر یبوق» (یعنی یک ورقی از قرن حاضر) بزبان ترکی عثمانی نشر نمود.

در ۱۳۳۱ از اسلامبول بیاریس رفته پس از مدتی آقای ممتاز السلطنه سفیر ایران در پاریس که گویا نسبتی هم با خانواده آن مرحوم داشته اند او را بسفارت برده در دفتر خانه سفارت بشغلی وا داشتند ولی پس از اندکی طبع بلندش تاب تحمل بعضی ناملايمات را نیاورده از سفارت بیرون آمد.

در مدت اقامت خود در پاریس در جریده معروف فرانسوی «مجله علم اسلامی» (۱) مقالات مفصل بامضای «آذری» مینوشت و در دو سال

نشان صلیب آهن

بماژور محمد تقی خان

ماژور محمد تقی خان از اجله صاحب منصبان ژاندارمری ایران اصلاً از اهالی آذربایجان است. بدرستکاری فوق العاده و شجاعت و تحقیر مرگ و عزم و بردلی معروف است و اعمال او روز بروز مصدق اقوال مردم است در حق او. در زد و خورد های ماه محرم و صفر ۱۳۳۴ که بین قزاق های روس و ژاندارم های ایرانی در نواحی بین همدان و قزوین و مخصوصاً در آوه واقع شد خیلی اظهار شجاعت و رشادت نمود. قبل از آن نیز وقتی که در همدان بود خیلی طرف اطمینان و پشت گرمی ملتیان بود. پس از سقوط همدان و قبل از ورود بکرمانشاه چندین بار با روسها طرف شد و در هر موقع ابراز رشادت و عزم نمود. بعد از سقوط کرمانشاه بدون هیچگونه یأس و دلسردی دست از کار خود برنداشت. و چون ماژور ارهانت (۱) آلمانی بریاست کل ژاندارمری که در آن زمان در قصر شیرین بود منصوب گردید ماژور محمد تقی خان را بیسایت خود برگزید و او هم با کمک دو سه نفر دیگر از صاحب منصبان ایرانی که با کفایت ترین آنها سلطان اکبر میرزا و سلطان حبیب الله خان شیانی بودند بجمع آوری و اداره ژاندارم های متفرق شده پرداخت و از عهده این کار سخت بخوبی درآمد. در موقعی که روسها از کرمانشاه گذشته بطرف کردند و میان طاق و قصر شیرین آمدند ماژور محمد تقی خان با وجود آنکه قوای او چندین بار کمتر از قوای روسها بود چندان پافشاری نمود که قوای عثمانی که در تحت فرماندهی شوکت بیگ بودند توانستند بدون هیچگونه آسیبی بطرف خاتقین عقب بنشینند. شوکت بیگ در تلگرافات خود بخلیل پاشا سردار کل قشون عثمانی در عراق بطور تفصیل ذکر خدمات ماژور محمد تقی خان را کرده و از او تمجید زیاد نموده است. در این موقع در ازای خدمات شایان او از طرف «اتا ماژور» آلمانی نشان صلیب آهن بوی اعطا شده است. پس از آنهم بی شک در هزیمت دادن روسها و استرداد کرمانشاه خدماتی بروز داده ولی هنوز تفصیل آن واقعات نرسیده است.

احصائیه جنگی دو ساله آلمان

بمناسبت تمام شدن سال دوم جنگ در غرة ماه شوال جاری (۱ اوت ۱۹۱۶) دولت آلمان جداول ذیل را در خصوص حاصل جنگ دو ساله از حیث اسرا و غنائم و اراضی متصرفه بطور رسمی نشر کرده است:

۱ - دول مرکزی متحده در خاک اروپا امروز اراضی ذیل را از خاک دشمنان خود در تحت تصرف دارند:

قبل که بهمت دو سه نفر از ایرانیان مقیمین پاریس یک روزنامه فارسی ماهیانه باسم «ایران شهر» در پاریس منطع میشد مرحوم اشرف زاده محرر عمده آن روزنامه بود ولی بدون امضا.

بعد از ظهور جنگ عمومی مرحوم اشرف زاده هنوز در پاریس اقامت داشت و همواره از اعماق دل آرزو میکرد که کی میشود از آن زنجیر آهنین یعنی محوطه استحکامات پاریس که از تمام اخبار و اوضاع عالم سکنه پاریس را محجوب و مانند مرغ در قفس محبوس کرده بود بیرون جعبه آزادی پر و بالی بزند و اگر با تیغ و تفنگ نشده لااقل با زبان و قلم بر ضد دو دشمن عنود ایران روس و انگلیس بقدر مقدور خود اشتراکی در این جنگ عالمگیر بنماید. این بود که بمجرد پیدا شدن اولین فرصت در ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۳ از پاریس بلوزان (سویس) حرکت کرده و در اوایل جمادی الآخره با جمعی از دوستان هم مشرب از راه اسلامبول و حلب بطرف بغداد عازم گردید. و قصدش این بود که از آنجا بشیراز برود ولی بواسطه اغتشاش راه مابین خاتقین و کرمانشاه مدتی مجبور باقامت در بغداد گردید. و پس از آنکه راه بالنسبه امن شد بارفقا بکرمانشاه رفت و از کرمانشاه سواره بطرف کنگاور حرکت کردند که از آنجا بسطان آباد و کاشان و اصفهان و شیراز بروند.

در ۲۰ رمضان ۱۳۳۳ در یک فرسخی محضه نزدیک کرمانشاه در اوایل تاریکی شب از پای کوهی که در سر راه ایشان بوده غفله شلیکی بلند میشود بعد معلوم میشود که قریب سی نفر از قطاع الطریق در کمین بوده اند. رفقایش فرار کرده بصحنه مراجعت میکنند ولی مرحوم اشرف زاده میزند بسینه کوه. اشرار او را تعاقب کرده و چند تیر تفنگ بطرف او خالی میکنند و آن جوان ناکام را از پا در میآوردند و تمام آنچه داشته از اسباب و کتاب و نقد و اسب و اسناد و نوشتجات بغارت میبرند. و بنا بتحقیقات بعد معلوم شد که آن جماعت از طایفه آل قباد بوده اند و آل قباد شعبه ایست از ایل کاکاوند که مرکز اقامتشان در حوالی هرسین از ایالت لرستان است. و بعضی گویند که آن جماعت محرک داشته اند یعنی قتل مرحوم اشرف زاده جنایت سیاسی بوده است. در هر صورت فردای آن روز نفس آن مرحوم را با کمال احترام بکرمانشاه آوردند و مردم شهر استقبال شایانی نمودند. و در سر قبر آقا در اطاق امانت گذاردند سپس در هانجا بچاک سپردند افاض الله علیه شایب الغفران.

مرحوم اشرف زاده تقریباً سی سال داشت یعنی در مجبوحه شباب و عنفوان جوانی با هزاران آمال و امانی این حیات فانی را گذاشت و گذشت و ظاهراً یک پسری دو سه ساله از او باقی است که روی او را هم هیچ ندیده بوده چه فقط دو سه ماه بعد از عروسی مجبور شده بوده که زن و خانه و اهل و وطن را گذاشته بقیه عمر خود را که مانند مدت گل کوتاه بود در غربت شهر بشهر و دیار بدیار سرگردان و بی سامان بسربرد.

علیک سلام الله و قفاً فاتی رأیت الکریم الحرّ لیس له عمر

باید این نکته را در نظر داشت که اعداد فوق فقط عبارت از غنائی است که داخل در خاک آلمان شده است. و الا مقدار کثیری از غنای جنگی که قشون آلمان بعد از بدست آوردن فوراً بر ضد دشمن استعمال کرده اند بهیچوجه داخل در جدول فوق نیست و عده آنها را ولو بطور تقریب بالفعل نمیتوان معین نمود.

۴ - از روی احصائیه اخیر در باب پرستاری و معالجه سربازان آلمانی در مریضخانهای داخله مملکت معلوم میشود که در صدی ۱۰۰۲ از آنها بکلی معالجه شده و دوباره قابل خدمت نظامی میشوند و فقط صدی ۸۰۳ از کار میافتند و صدی ۱۰۳ میمیرند. بواسطه اقدامات جدی و تدابیر کامله حفظ الصحه و مخصوصاً بواسطه انواع تلقیحات (آبله کوبی) انتشار تمام امراض عامه مسریه را در اردوها باقل درجات ممکنه رسانیده اند و تا کنون ندره این قبیل امراض در قشون آلمان دیده شده و اعمال نظامی هیچوقت بواسطه آنها مختل نگردیده است.

دار زدن

سیر راجر کزمنت

روز سوم شوال ۱۳۳۴ تلگراف روتر از لندن خبر داد که ساعت نه فرنگی صبح سیر راجر کزمنت (۱) اعدام گردید. این خبر مختصر گنگ باعث ولوله شدیدی در تمام ممالک گردید و اغلب جراید اروپا و امریکا (باستثنای جراید متفقین - بالطبع) «پروتست» های سخت بر دولت انگلیس «حامی آزادی و استقلال ملل ضعیفه» نمودند و خدا خواست که پرده ضخیم حیل و تزویر و دو روئی و ریاکاری و نفاق دولت انگلیس که از ابتدای این جنگ بکرات دریده شده بود بکلی پاره گردد و کوس رسوائی او بر سر هر بازار زده شود.

سیر راجر کزمنت یکی از اعیان ایرلاند و از مشاهیر وطن پرستان آن ملت نجیب و از طرف دولت انگلیس ملقب بلقب «سیر» و دارای نشان «حمّام» بود. قریب مدّت بیست سال شاغل منصب عالیّه سیاسی و از جانب دولت انگلیس سمت نمایندگی در ممالک مختلفه و مخصوصاً در افریقای جنوبی و کونگو و امریکای جنوبی داشته است و در هر جا که بوده و هر وظیفه که داشته دقیقه از کوشش در راه خدمت بوطن خود ایرلاند کوتاهی نمی نمود. در ۱۹۱۳ از مشاغل سیاسی خود بکلی کناره کشید و دولت انگلیس سالی ۱۰۰,۰۰۰ فرانک حق «تقاعد» برای او بر قرار نمود. در ابتدای این جنگ از این حق چشم پوشیده برلین آمد و در آنجا خیلی تلاش کرد تا بالاخره اقناع شد که آزادی و استقلال ایرلاند منظور خواهد گردید. این فقره باعث طوفان عظیم طمن و تنقید در دوایر و جراید انگلیس شد. مشار الیه بعد از آن بگریستیانیا (پایتخت نروژ) رفته در آنجا اقامت گزید و در آنجا برای مقاصد ملی خود بیش از پیش

در بلژیک	۷۴۵	فرسنگ مربع
در فرانس	۵۴۰	»
در روسیه	۷۰۲۰۰	»
در سرستان	۲۰۲۵۰	»
در کوه سیله	۳۶۰	»

مجموع ۱۱۰۰۹۵ فرسنگ مربع

اراضی متصرفه دشمنان آلمان

در الزاس	۲۷	فرسنگ مربع
در گالیسی و بوکوفین	۵۴۰	»
مجموع	۵۶۷	فرسنگ مربع

در آخر سال اول جنگ اعداد فوق عبارت بود از ۴۰۶۵۰ فرسنگ مربع در دست متحین در مقابل ۲۸۰ فرسنگ مربع در دست متفقین.

۲ - مجموع کلیه اسرای جنگی در آخر سال دوم جنگ:

در آلمان	۱۰۶۶۳۰۷۹۴	نفر
در اطریش-هنگری	۹۴۲۰۴۸۹	»
در بلغار تقریباً	۳۸۰۰۰۰	»
در عثمانی تقریباً	۱۴۰۰۰۰	»
مجموع	۲۰۶۵۸۰۲۸۳	نفر

در آخر سال اول جنگ مجموع اسرا در آلمان و اطریش-هنگری

۱۰۶۹۵۰۴۰۰ نفر بود.

حالیّه در آلمان ۹۰۰۱۹ صاحب منصب و ۱۰۲۰۲۰۸۷۲ سرباز روسی اسیر در اطریش-هنگری ۴۰۲۴۲ و ۷۷۷۰۳۲۴ و در بلغار و عثمانی ۳۳ و ۱۰۴۳۵ و موجود است.

عده اسرای مختلفه در آلمان از قرار ذیل است

فرانسوی	...	۵۰۹۴۷	صاحب منصب و ۳۴۸۰۷۳۱	سرباز
روسی	۹۰۰۱۹	» و ۱۰۲۰۲۰۸۷۲	»
بلژیکی	۶۵۶	» و ۴۱۰۷۵۲	»
انگلیسی	۹۴۷	» و ۲۹۰۹۵۶	»
سربی	»	» و ۲۳۰۹۱۴	»
مجموع	۱۶۰۵۶۹	» و ۱۰۶۴۷۰۲۲۵	سرباز

۳ - غنایم ذیل تا بحال بدست آلمانها افتاده است:

توپ	۱۱۰۰۳۶
گلوله توپ	۴۰۷۴۸۰۰۳۸
عربابه ذخیره و غیره	۹۰۰۹۶
تفنگ	۱۰۵۵۶۰۱۳۲
رولور و طپانچه	۴۴۶۰
توپ مسلسل (میتراپوز)	۳۰۴۵۰

و عصر روز ۲۳ رمضان روسها با طرف کنگاور عقب نشاندند. یک دسته از قوای عثمانی که از مرکز بطرف صحنه پیش میرفتند با یک حمله سختی سنگرهای روسها را که در حوالی حاجی آباد و نادرآباد داشتند گرفتند. روسها میخواستند در سنگرهای که در طرف مغرب بیستون داشتند مقاومت نمایند ولی تعاقب سریع قشون اسلامی و فشاری که از پهلو با آنها وارد آورده میشد آنها را مهلت نداده مجبور شدند که بطرف صحنه عقب بکشند. صبح ۲۵ رمضان بدون آنکه مهلتی بروسها بدهند قشون اسلام آنها را با کمال شدت تعاقب کرده و بر آنها حملات پی در پی آورده بطوریکه بالاخره روسها نتوانستند در صحنه (تقریباً ده فرسخی در مشرق کرمانشاه) مقاومت نمایند و بعد از ظهر همان روز بسمت کنگاور عقب نشستند و قوای اسلامی آنها را تا دو فرسخ شرق صحنه تعاقب کردند. در جناح چپ نیز روسها در مقابل حمله دلیرانه مجاهدین تاب مقاومت نیاورده تا سنقر عقب کشیدند و در آنجا در اطراف شهر مشغول سنگربندی شدند.

بعد از گذشتن از گردنه سخت بیدسخ که از قرار گفته اسرای روسی یک ژنرال فرانسوی مأمور مستحکم کردن آنجا بوده عساکر اسلام روسها را از کنگاور نیز بیرون کرده و آنها را تا حسین آباد (تقریباً یک فرسخ و نیم در مشرق کنگاور) واپس نشاندند. صبح روز ۹ شوال اسداباد را از وجود روسها پاک نمودند و در ۱۰ شوال جنگهای متعدد با سوارهای پس قراول روسی کردند و شام آتروز فاتحانه داخل شهر همدان گردیدند. روسها با کمال عجز از شهر و حوالی آن بیرون رفته و بطرف شمال فرار کردند. و در این جنگهای اخیر همدان ۳۱۴ نفر اسیر با یک صاحب منصب و ۲۰۰۰۰ صندوق ذخیره و لوازم پیاده نظام از قبیل تفنگ و لباس و اسباب و آلات مختلفه برای عمل نظامی بدست قشون فاتح افتاد و فقط در یکی از این جنگها روسها قریب هزار نفر تلفات از مقتول و مجروح داشته اند. اینک بموجب اخبار اخیره قشون اسلامی از همدان نیز گذشته بتعاقب روسها میروند. استرداد همدان اهمیت خیلی بیش از تصرف کرمانشاه است. تصرف همدان علاوه بر آنکه دوباره راه ایران مرکزی و جنوبی را برای ملیون باز خواهد گرد اردوی مرکزی روس را در قزوین نیز تهدید میکند و بدین جهت امید آن میرود که بیک حمله دیگر ریشه جور روسی از قزوین که آنجا را از سال ۱۳۲۷ آشیانه تهدید پایتخت و مرکز تسخیر ولایات مرکزی کرده اند بر انداخته شود. تهدید قزوین باعث آن میشود که قوای روسی از ولایات مرکزی نیز عقب نشینند و عراق و اصفهان را نیز تخلیه کنند.

از طرف دیگر شکست دشمن خونخوار اولیای امور طهران را نیز شاید جرئی بخشد و رعب و دهشتی را که بر آنها مستولی شده تخفیف دهد. کردند و کرمانشاه و همدان و کنگاور و نهاوند و غیره که از اسیری دشمن خلاص شده و وزیر اداره حکومت ملی ایران و آقای نظام السلطنه در آمده میدانی برای فعالیت وطن پرستان میباشد که قوای پراکنده خود را میتوانند در آن نقاط جمع آوری کرده دوباره بحدایت مشغول توسعه دایره قوای ملی گردند.

مشغول کار شد. سفير انگلیس در کریستیانیا بتوسط نوکر شخصی کرنت که وجدان او را بیول خریده بود در خیال سوء قصدی نسبت باو درآمد ولی این فقره مکشوف شد و کرنت سالم جست. بعد از آن با امریکا رفته از آنجا با اروپا عودت نمود و در ۱۷ یا ۱۸ جمادی الآخره گذشته (۲۲ یا ۲۳ آوریل ۱۹۱۶) بی خبر بساحل ایرلاند ورود نمود و از قضای بد نوراً گرفتار گردید و یکی دو روز بعد یعنی در ۲۰ جمادی الآخره (۲۴ آوریل) شورش ایرلاند در گرفت. پس از آنکه «حامیان آزادی ملل مظلومه» شورش ایرلاندیان را (که قریب هشت قرن است در زیر ربه عبودیت انگلیس آزادى خواه افتاده اند) در خون خاموش کردند و پنجاه شصت نفر از مشاهیر رجال ایرلاند و اجله وطن پرستان آن سرزمین را تیر باران نمودند نوبت بمحاکمه کرنت رسید. با وجود شفاعت پاپ و وساطتهای متعدده از طرف جمعی کثیر از امریکائیان و حتی از فرانسویان و خود انگلیس محاکم انگلستان او را محکوم باعدام نموده و در تاریخ فوق در حیاط زندان پانتون ویل در لندن او را بدار زدند و آخرین سخنش این بود: «من در راه وطنم جان میدهم!» و وقتی که صدای زنگ زندان بلند شد و خبر داد که کار تمام شد زندهای ایرلندی که در بیرون زندان جمع شده بودند بزانو در آمده با حالت گریان برای آمرزش روح شهید وطن بدعا خواندن مشغول شدند.

روزنامه تاگواخت منطبعه بزین پایتخت سویس مینویسد که این قتل نفس ناحق دولت انگلیس را که ادعای آزادی طلبی دارد با دولت همعهد خود روسیه که بنایش بر استبداد است هم ترازو نمود. «زورنال دو ژنو» معروف که طرفداری او نسبت بانگلیس و متفقین اغلب مصداق کاسه از آتش گرمتر و دایه مهربان تر از مادر است می نویسد که: «روزنامه های انگلیس تفصیل واقعه را ننوشتند چون نخواستند که داستان جان دادن یک نفر وطن پرستی که دارای حسیات مردانه بود بر تأثیر ناگواری که این رفتار دولت انگلیس عموماً احداث نموده بیفزاید. جمیع وقایع نگاران جراید که شاهد کشتن کرنت بوده اند متفق اند که او بدون هیچگونه سستی و تردیدی یا ندامت و تحسری در کمال متانت و شجاعت بر سر دار رفت و مطمئن بود که مرگ او برای نجات ایرلاند مفید خواهد بود.»

بعد از کرمانشاه همدان

روسها در شاهراهی که در بهار گذشته از قزوین تا خاتقین جلو رفتند در کارند به قری عقب میروند و در ابتدای ابلاغیه های یومیه ایشان کلمه «در امتداد بغداد» که اینقدر بگوش متفقین خوش آهنگ می آمد مدتی است مبدل بسکوت عمیقی شده است. ما در شماره گذشته گفتیم که شکست روسها در کرمانشاه تأثیر زیادی در ایران خواهد داشت و اینک فتح همدان از طرف قوای ایرانی و عثمانی آن تأثیر را بیشتر و قوی تر خواهد کرد. نظر باخبار رسمی عثمانی مورخه ۸ شوال قوای عثمانی در ۲۲ رمضان از سه نقطه مختلف بقوای روسی که در مشرق کرمانشاه بودند حمله آورده